

واکاوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

منصوره لولاآور^۱

راضیه شاهمرادی زواره^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۱۰

چکیده

تحقیق نقش خانوادگی زنان و صرفاً اهمیت دادن به هویت اجتماعی آن‌ها، یکی از اشتراکات نظری دیدگاه‌های مختلف فمینیستی است. اندیشمندان اسلامی نیز آرای متفاوتی درباره جایگاه و نقش اجتماعی زن بیان کرده‌اند. در پژوهش حاضر، اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران درباره این موضوع بررسی شده است. همه سخنرانی‌ها و بیانات پنج سال اخیر ایشان با روش تحلیل محتوای کیفی مایرینگ بررسی شد. در نهایت مقولات گوناگون در پنج محور تحصیلات، اشتغال، فعالیت‌های سیاسی، عرصه مجاهدت‌ها و حوزه ورزش قهرمانی دسته‌بندی گردید و در هر بخش جمع‌بندی انجام شد. به عنوان نمونه در زمینه تحصیلات ایشان تأیید همراه با تشویق را برای زنان به کار می‌برند و زنان تحصیلکرده را مایه افتخار جامعه اسلامی می‌دانند، اگرچه در زمینه اشتغال، نظری متفاوت دارند و آن را به صورت مشروط تأیید می‌نمایند. وجوه تشابه و تفاوت دیدگاه ایشان با متفکران اسلامی و نیز نظریه‌های غربی درباره نقش اجتماعی زنان در نتیجه‌گیری ذکر شده است.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای، تحلیل محتوای کیفی، زن، فمینیسم، مسلمان، نقش اجتماعی.

۱. استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول، lolaavar@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه تهران rs.zavareh@gmail.com

مقدمه

شاید بتوان گفت در طول قرن بیستم، فمینیسم یکی از پرمناقشه‌ترین جنبش‌های اجتماعی و فکری در سطح جهان بوده است. بسیاری از چالش‌های نظری و دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و حقوقی در وضعیت زنان را می‌توان در وهله نخست ناشی از این جنبش دانست. جنبش فمینیسم به ویژه موج دوم آن با تأکید بیش از حد بر مقوله اشتغال و مشارکت اجتماعی زنان، آنان را به وادی دیگری کشاند. در این میان نظام سرمایه‌داری نیز که به نیروی ارزان‌قیمت نیاز مبرم داشت، در هم‌نوایی با فمینیسم فضایی ایجاد نمود که زنان از خانه و زندگی خانوادگی جدا شوند و در منزلت تعریف‌شده جدید، هویت یابند (صادقی فسائی، ۱۳۸۶: ۳-۵). در این میان یکی از مهم‌ترین حربه‌های فمینیسم، تحقیر نقش و موقعیت زنان خانه‌دار بود. تقریباً همه شاخه‌های فمینیسم تاکنون در این زمینه که زنان فقط در جایگاه شغلی خود هویت خواهند داشت یا حداقل این هویت، بسیار مهم‌تر است، وحدت نظر دارند.

البته برخلاف آنچه گاه در جامعه ما تصور می‌شود، اندیشه فمینیستی، اندیشه‌ای یکدست نیست. به عبارت دیگر با وجود یک محور مشترک درباره ظلم به زن و لزوم دفاع از آن‌ها، در سایر موارد مانند مفهوم، عوامل و راه‌های پیشگیری از آنچه ظلم در حق زنان نامیده می‌شود، دیدگاه‌ها و نظریه‌های فمینیستی گوناگونی وجود دارد.

محرومیت‌های اجتماعی زنان، فقدان شخصیت حقوقی، نابرابری شغلی و نداشتن حق رأی، مهم‌ترین چالش‌های زن غربی بود که نخستین موج فمینیسم را با هدف برابری با مردان و بهره‌مندی از حقوق و مزایای یکسان به وجود آورد (آقاجانی، ۱۳۸۸: ۱۳). نخستین موج فمینیسم، بیشتر جنبه اجتماعی داشت تا فکری و فلسفی و به دنبال دستیابی به بخشی از حقوق سیاسی و اجتماعی زنان از قبیل حق رأی پدید آمد. در اکثر استدلال‌های لیبرالی بر مسئله‌ای به نام «جوهره مشترک انسانی» صرف‌نظر از تفاوت‌های جنسیتی تأکید شده است. به این بیان که زن و مرد برابر آفریده شده‌اند و یکسانی نسل آن‌ها اقتضا دارد که زنان جایگاه فرودستی نسبت به مردان نداشته باشند و تمایزی بین حوزه‌های زنانه و مردانه وجود ندارد (همان).

البته رویکرد سلبی فوق در نفی هر گونه تمایز جنسیتی درباره زنان، در کنار رویکرد ایجابی در اثبات ارزش لیبرالی غرب در مقوله‌هایی نظیر فردیت، آزادی، عقلانیت و اومانیسم معنا می‌یابد. بنابراین، در حوزه‌های اجتماعی و حقوقی مخالفت خود را با هر نوع تمایز بین حوزه‌های زنانه و مردانه اعلام می‌کند. «ولستون کرافت» در بیانیه معروف خود در سال ۱۷۹۲

میلادی با این استدلال که مفاهیمی مانند آزادی، برابری، خرد، معرفت و ذهن، اموری جنسیتی نیست، خواستار حضور زنان در عرصه اجتماع، سیاست و حقوق شد (همان، ۱۴).
فمینیسم رادیکال تحت تأثیر اندیشه‌های رادیکال در دهه ۱۹۶۰، به دنبال تحولی انقلابی و بنیادی برای حل مسائل زنان به وجود آمد. در واقع فمینیسم رادیکال، راه‌حل مشکل زنان را در برابری آنان با مردان نمی‌دید، بلکه در این دیدگاه، «مردان» به عنوان گروهی ستمگر و حتی گاهی تک‌تک آن‌ها به عنوان موجوداتی واقعی، مشکل شناخته می‌شوند. به اعتقاد طرفداران دیدگاه فوق، مردان در طول تاریخ در همه حوزه‌ها بر زنان ستم کرده‌اند. علت این وضعیت نیز این است که مردان «پدرسالاری» را در طول تاریخ به عنوان رویه‌ای اجتماعی و نیز یک ایدئولوژی هژمونیک اعمال کرده‌اند. فمینیست‌های رادیکال بر خلاف فمینیست‌های لیبرال در پی جذب زنان در سپهر عمومی و اتکا بر روش‌های اقتاعی و قانونی در این راه نبودند، بلکه می‌خواستند سامانی را که مردان ایجاد کرده و پدرسالاری که در هر حوزه آن نفوذ کرده بودند، بر هم بزنند (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۶۷).

البته قوی‌ترین و چالش‌انگیزترین نقدها بر اندیشه‌های فمینیستی نه از سوی اندیشمندان غیرغربی و نه از سوی متفکران مسلمان، بلکه از جانب اندیشمندان غربی مطرح شده است. به عنوان نمونه می‌توان نقد جامعه‌گرایانه جین ال‌شتاین را بیان کرد که مواضع لیبرال فمینیست‌ها درباره برابری زنان و مردان را به چالش کشید و آن‌ها را متهم کرد که نابرابری‌های طبیعی زن و مرد را نادیده می‌گیرند و بیشتر تفاوت‌ها را ناشی از فرهنگ و تربیت می‌دانند (تانگ، ۱۳۸۷: ۶۱). به اعتقاد وی در فمینیسم لیبرال گرایشی مبالغه‌آمیز درباره شمار زنانی وجود دارد که می‌خواهند شبیه مردان شوند و به جای نقش همسر و مادر، نقش شهروند و کارگر داشته باشند (همان، ۶۳). همچنین می‌توان نقدهای آلیسون جاگر از فمینیسم لیبرال، نقد فلسفی ژنویولویید از فمینیسم وجودگرا و نقدهای فمینیسم پسامدرن به جریان‌های فکری رایج فمینیسم را بیان کرد.
از سوی دیگر، دانشمندان و متفکران مسلمان با ملاک قرار دادن آموزه‌های دینی به عنوان رویه و دستورالعمل زندگی، دیدگاه و برداشت خود درباره نقش اجتماعی و خانوادگی زن از دیدگاه اسلام و آنچه مطلوب این دین است و لازم است در جامعه اجرا شود را بیان کرده‌اند. اندیشه‌ها و رهنمودهای امام خمینی (ره) تغییرات فراوانی را در وضعیت زنان و نگرش به منزلت اجتماعی آنان در جامعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایجاد کرده است. از سویی موقعیت خانواده استحکام بیشتری یافت و مادری به عنوان نقش و مسئولیت اصلی زنان مطرح

شد و از سوی دیگر، مشارکت زنان در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی فزونی یافت. تغییرات در وضعیت زنان ایران پس از گذشت بیش از سی سال از انقلاب اسلامی، موضوع بحث پژوهش حاضر نیست، بلکه هدف آن است که با توجه به توضیحات بیان شده، اندیشه‌های رهبر کنونی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای درباره نقش اجتماعی زنان بررسی شود. بررسی اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای به این دلیل اهمیت دارد که ایشان از یک سو رهبری جامعه ایران را بر عهده دارند و نظراتشان بیش از هر شخص دیگر می‌تواند در امور زنان مؤثر باشد و هم اینکه ایشان یکی از تأثیرگذارترین متفکران مسلمان شیعه در عصر حاضر هستند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش اجتماعی زن مسلمان از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای براساس آموزه‌های دینی اسلامی طراحی گردیده و در پی آن است که ضمن ترسیم محورها و مقولات اصلی رهیافت آیت‌الله خامنه‌ای درباره نقش اجتماعی زن مسلمان، دیدگاه ایشان را با رویکرد اندیشمندانی مانند امام خمینی (ره)، علامه طباطبایی و شهید مطهری به صورت تطبیقی بررسی کند. در واقع پرسش پژوهش حاضر این است که دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره حضور زن در جامعه چیست و آن را در چه شرایطی مورد تأیید قرار می‌دهند و در چه شرایطی نامناسب می‌دانند.

پیشینه و ادبیات پژوهش

براساس بررسی‌های انجام شده، تاکنون در پژوهشی تحلیل محتوای نقش اجتماعی زنان در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای انجام نشده است. البته کتبی تألیف شده‌اند که در آنها فقط جمع‌آوری سخنان آیت‌الله خامنه‌ای درباره موضوعات مختلف انجام گردیده است. عنوان یکی از کتب مذکور «زن و بازیابی هویت حقیقی» است که در آن جمع‌آوری سخنان آیت‌الله خامنه‌ای از آغاز رهبری ایشان درباره موضوع زن انجام شده و تحلیل سخنان ایشان مورد توجه نبوده است. عنوان کتاب دیگر «مجموعه پنج‌جلدی نقش و رسالت زن» است که در آن همه سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای درباره زنان از آغاز انقلاب تا سال ۱۳۹۲ جمع‌آوری شده است. عنوان یکی از جلد‌های این مجموعه «عرصه‌های حضور اجتماعی زن» است. اما همان طور که بیان گردید، در این کتاب نیز فقط جمع‌آوری سخنان آقای خامنه‌ای انجام شده و تحلیلی بر آن صورت نگرفته است. از این رو، تحلیل سخنان ایشان درباره نقش اجتماعی زنان ضرورت دارد.

البته مسأله زندگی اجتماعی و خانوادگی زن و تقابل و تعارض مسئولیت‌ها در این دو حوزه در اندیشه سایر اندیشمندان مسلمان معاصر مطرح شده است که مهم‌ترین آنان علامه طباطبایی، امام خمینی (ره) و شهید مطهری هستند. علامه طباطبایی در رهیافتی تاریخی، مقام و موقعیت اجتماعی زن را در سیری تکاملی چنین ترسیم کرده است: زن در اجتماعات بشر جزء جامعه انسانی محسوب نمی‌شده است، اگرچه در مرحله بعدی حقوقی برای زن به عنوان «انسان ضعیف» قائل شدند، اما در همه حال تحت ولایت و قیمومت مرد بوده و هیچ استقلال‌ناشته است. در این مرحله زن به واسطه ضعف شعور و قدرت عواطف و احساسات هوس‌آمیز خود، دشمن جامعه بوده و ورودش در جامعه با استقلال اراده و عمل، موجب فلج ساختن جامعه و پشیمانی واپسین خواهد شد. اما اسلام زن را احیا کرد و به عنوان یک انسان به وی نگاه کرد. بر اساس آموزه‌های اسلام، انسانیت اصل می‌باشد که مرد و زن هر دو انسانند. در عین حال که از جهت مرد و زن بودن متفاوت‌اند، از جهت انسانیت تفاوتی با یکدیگر ندارند. شرع اسلام زن را نیز مانند مرد جزء کامل جامعه اسلامی قرار داده و هر دو را به تساوی جزء مشترک ساخته و برای زن نیز آزادی اراده و عمل تشریح فرموده است، چنان که در مرد همین حق را جعل کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۷۲-۲۸۱). به اعتقاد علامه طباطبایی «در اسلام زن در همه احکام عبادی و حقوقی و اجتماعی مرد شریک است. او نیز همانند مردان می‌تواند مستقل باشد و هیچ تفاوتی با آن‌ها ندارد، مگر در مواردی که طبیعت خود زن اقتضا دارد که با مردان متفاوت باشد، همانند مسائلی مانند قضاوت، جهاد، عهده‌داری حکومت، مسأله ارث و حجاب. محدودیتی که زن سر تا پا مهر و عاطفت در اسلام دارد در سه موضوع تعقلی است که اسلام زمام آن‌ها را به دست تعقل سپرده است که از محیط عاطفه و احساس باید جدا شود و موضوعات سه‌گانه نامبرده «حکومت، قضا و جهاد» است (همان، ۲۸۹). به اعتقاد علامه طباطبایی در زن دو ویژگی نهاده شده است که به خاطر این دو ویژگی ممتاز شده است. نخست زن در تکوین نوع انسانی و رشدش به منزله کشت است که نوع انسانی در بقایش به وی اعتماد دارد، بنابراین احکام مختص به این ویژگی، مخصوص زن است. دوم، وجود زن مبتنی بر لطافت جسمی و ظرافت احساسی است و این ویژگی نیز در وظایف اجتماعی وی مؤثر است (رودگر، ۱۳۸۸: ۶۲). علامه طباطبایی می‌گوید: «جای هیچ تردید نیست که روح عاطفه و احساس در زن به روح تعقل غالب است و همه احوال و اعمال زن، مظهر انواع عواطف و احساسات نغز و لطیف است و مرد به حسب طبع، درست در نقطه مقابل این روحیه قرار گرفته است. و چنان که در ابتدا بیان

گردید، اسلام در تنظیم امر جامعه انسانی، تعقل را بر عواطف و احساسات اولی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۸۵).

شهید مطهری در آثار خود بیان کرده است که در تاریخ اسلام نیز جز دوره کوتاه صدر اسلام، زنان به طور غیرمستقیم نقش اجتماعی داشتند، یعنی علاوه بر زاییدن و پرورش دادن مردان بزرگ، الهام‌بخش و نیرودهنده و مکمل مردانگی آن‌ها بوده‌اند. در بسیاری از اشعار حماسی عربی و فارسی نیز ملاحظه می‌شود که دلیران در شرح حماسه‌های خود، زنان را مخاطب قرار داده‌اند؛ گویی مردان آگاهانه یا ناآگاهانه در بیان دلیری‌ها و دلاوری‌های خود، رضایت، تحسین و جلب رضایت زن را منظور داشته‌اند. به اعتقاد ایشان، زن نقش سازندگی غیرمستقیم خود به لحاظ تاریخی را مدیون اخلاق ویژه جنسی خویش یعنی حیا، عفاف، و تقوای زنانه است. آنجا که زن حیا و عفاف را حفظ نکرده و خود را به ابتذال کشانده، این نقش تاریخی را از دست داده است. از این رو، گویی نوعی تعارض میان این دو نقش وجود دارد: یا نقش غیرمستقیم و از صحنه بیرون بودن یا نقش مستقیم و پشت جبهه را رها کردن و نقش غیرمستقیم داشتن. اما در حقیقت تضاد و تعارضی در کار نیست. راه باریک و ظریفی وجود دارد که اگر زن از آن راه برود، هر دو نقش را در آن واحد می‌تواند ایفا کند. آن راه باریک و ظریف همان است که بانوان ما در ده‌ساله اخیر [دوران انقلاب و مبارزه] طی کردند. ویژگی دخالت زن در انقلاب اسلامی ایران این است که زن مسلمان ایرانی در عین حضور در صحنه تاریخ و همکاری با مردان در سازندگی تاریخ، پشت جبهه را رها نکرد. حیا، عفاف و پوشش لازم را از کف نداد. دورباش و کرامت و عزت زنانه خویش را محفوظ داشت و خویشتن را مانند زن غربی و زن مدل پهلوی به ابتذال نکشانند (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۷۰-۳۷۲).

امام خمینی (ره) نظر ویژه‌ای درباره فعالیت اجتماعی زنان داشتند. به اعتقاد ایشان «زن‌ها امروز باید همان طور که مردها در مسائل واردند، در مسائل وارد باشند و تعلم صحیح داشته باشند و دخالت صحیح در امور بکنند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۸۳). ایشان در واقع دخالت در امور جامعه را یکی از وظایف زن می‌دانند. همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: «زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود. از چیزی که جلوگیری می‌شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

به اعتقاد امام خمینی (ره) «این تبلیغات است که اگر اسلام پیدا شد، مثلاً دیگر زن‌ها باید بروند توی خانه‌ها بنشینند، یک قفلی هم به درش بزنند بیرون نیایند. این چه حرف غلطی است که به اسلام نسبت می‌دهند. صدر اسلام زن‌ها توی لشکرها هم بودند، توی میدان‌های جنگ هم می‌رفتند.... البته یک احکام خاص به مرد است، یک احکام خاص به زن است، مناسب با زن است. این نه این است که اسلام نسبت به مرد و زن فرقی گذاشته است. زن و مرد همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند، آزادند در اینکه رأی بدهند، رأی بگیرند» (همان، ۲۱۶-۲۱۷).

چارچوب مفهومی و نظری

چارچوب مفهومی و نظری، ترکیبی از دو قسمت است. در ابتدا تعریف چند مفهوم و سپس بحث نظری بیان می‌گردد:

پایگاه و نقش اجتماعی

پایگاه: توصیف‌کننده مکان اجتماعی یا وجهه یک فرد یا گروه در جامعه یا سازمان اجتماعی است. پایگاه اجتماعی، ارزشی است که یک گروه برای یک نقش اجتماعی قائل است. منزلت‌های اجتماعی افراد در داخل پایگاه‌های اجتماعی، افراد را از یکدیگر متمایز می‌کند (نوربخش، ۱۳۸۵: ۳۵۰).

هر شخص در تعدادی از «نظام‌های پایگاهی» مواضعی را اشغال می‌کند. مفهوم پایگاه، مفهومی ارتباطی است و ویژگی شخص را با مجموعه حقوق و وظایف او نشان می‌دهد، حقوق و وظایفی که رابطه او را با اشخاص دیگر که پایگاه‌های دیگری دارند، تنظیم می‌کند. البته همه پایگاه‌های فرد از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند و برخی پایگاه‌های فرد به عنوان پایگاه برتر می‌تواند روی سایر پایگاه‌های وی تأثیر مثبت یا منفی بگذارد. انسان ممکن است به طور همزمان مواضع مادر، دختر، کارگر، مسئول سندیکا و عضو فلان تیم ورزشی باشد. همه این پایگاه‌ها را «مجموعه پایگاهی» این شخص می‌نامند. چنانچه پایگاه‌های فرد با هم همگن باشند، فرد دارای تجانس پایگاهی خواهد بود و این امر به ویژه در جوامع سنتی مشاهده می‌شود (همان، ۳۵۰).

نقش: عبارت است از نظام انتظاراتی که در محیط اجتماعی صاحب نقش جریان دارد (دوچ، ۱۳۷۴: ۱۸۹). مفهوم نقش در اصل از دنیای تئاتر گرفته شده است. در هر جامعه افراد

چندین نقش اجتماعی مختلف را بر اساس متن و زمینه‌های گوناگون فعالیت خویش ایفا می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱۰۱۷).

به اعتقاد برگر و لاکمن، نقش‌ها نمونه‌سازی‌هایی از چیزهایی هستند که از کنشگران در موقعیت‌های اجتماعی معین انتظار می‌رود. نقش در تحلیل نظریه‌پردازان مذکور، فقط به عنوان میانجی فرهنگ و آگاهی عمل می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۳۶۲).

می‌توان گفت پایگاه، جایگاهی در ساختار اجتماعی است که فرد آن را اشغال می‌کند، اما نقش، جنبه سازمانی است که از اشغال‌کننده موقعیت انتظار می‌رود. در واقع، پایگاه مجموع حقوق و وظایف در برابر نقش اجتماعی است که اعمال این حقوق و وظایف را دربرمی‌گیرد (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۱۴۷). هر پایگاه نقش‌های چندگانه‌ای دارد که به آن متصل هستند و مجموعه نقش نامیده می‌شوند. درباره مفهوم نقش، مفاهیمی مرتبط شکل می‌گیرد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: پویایی نقش، ابهام نقش، تراکم، تعارض و رفتار نقش. هر جامعه برای تقسیم نقش‌های اجتماعی، ملاک‌هایی دارد و قدیمی‌ترین ملاک‌های تفکیک نقش‌ها میان اعضای جامعه، سن، جنس و وضعیت اجتماعی افراد است.

هنگامی که درباره نقش اجتماعی زن صحبت می‌کنیم، منظور مجموعه انتظارات از زن در اجتماع است. اینکه زن در جامعه و بیرون از خانواده چه رفتارهایی باید از خود بروز دهد و چه وظایف و حقوقی در جامعه دارد. هر چند در دنیای امروز، آمیختگی‌هایی در نقش‌های افراد پدید آمده است، اما تفکیک جنسیتی به ویژه در جوامع سنتی همچنان از اعتبار برخوردار است. از آنجایی که مجموع پایگاه‌های فرد، روابط و انتظارات بسیاری را شامل می‌شود، این امکان به وجود می‌آید که فرد در نقش‌هایی قرار گیرد که با هم سازگاری نداشته باشند. چنین وضعیتی «درگیری و تضاد نقش‌ها» نامیده می‌شود. درگیری نقش‌ها ممکن است به اشکال مختلف ظاهر شود (دوچ، ۱۳۷۴: ۱۹۱). آروین گافمن، از نظریه‌پردازان مکتب کنش متقابل نمادین، در نظریه نمایشی خود بیان کرده است که افراد در کنش‌های اجتماعی خود به گونه‌ای به ایفای نقش می‌پردازند که پذیرش دیگران را جلب کنند. وی درباره مفاهیمی مانند جلوی صحنه، پشت صحنه، محیط و نمای شخصی صحبت کرده است. محیط، به صحنه فیزیکی اطلاق می‌شود که کنشگران در آن به اجرای نقش می‌پردازند و جلوی صحنه، آن بخش از اجرای نقش است که معمولاً به صورت ثابت و عمومی اجرا می‌شود (ریتزر، ۲۹۲). انسان‌ها می‌کوشند تصویری آرمانی از خود در جلوی صحنه به نمایش بگذارند و ناگزیر به پنهان‌سازی چیزهایی از دید

مخاطبان بپردازند. گافمن در اثری با عنوان فاصله نقش (۱۹۶۱) بررسی کرده است که فرد تا چه اندازه می‌تواند نقشی معین را پذیرا شود. فاصله نقش به میزان کناره‌گیری افراد از نقش‌های محول‌شان اطلاق می‌گردد. معمولاً نقش‌هایی که از نظر فرد اهمیت زیادی ندارد، با بی‌میلی و بی‌علاقگی انجام می‌شود (همان، ۲۹۷). فاصله نقش به منزلت اجتماعی فرد بستگی دارد. در جوامع کنونی، درگیری و تعارض نقش اجتماعی زن با نقش خانوادگی او ملاحظه می‌شود. به عبارت دیگر، حقیر شمرده شدن نقش‌های مادری و همسری، فاصله زنان را از این گونه نقش‌ها افزایش داده و موجب اقبال مضاعف آنان به نقش‌های اجتماعی گردیده است. این تحقیر، به لحاظ نظری و مفهومی از نظریه‌های فمینیستی معاصر نشأت می‌گیرد. در این زمینه، به ویژه فمینیسم رادیکال، خانواده و نقش‌های خانوادگی را منشأ هر گونه ظلم و ستم بر زنان تلقی کرده و برای رهایی از این انقیاد و ستمگری، عدم پذیرش این نقش‌ها را به عنوان راه‌حل اصلی مطرح کرده است. از آنجایی که زنان به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند که در حین ایفای نقش، خود را از نگاه مردان می‌بینند، در یادگیری نقش، به این واقعیت پی می‌برند که بایستی ایفای نقش دیگری اصیل را یاد بگیرند. این دیگری، یک مرد و یک هویت بیگانه است (ریترز، ۱۳۷۴: ۵۰۹).

البته تعارض نقش بیشتر در جوامع شهری و مدرن رخ می‌دهد و در جوامع سنتی پدیده اختلاط نقش‌ها حاکم است، زیرا در این گونه جوامع، شناخت افراد از یکدیگر ادراکی کلی و غیروظیفه‌ای است. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های جامعه‌شناسی فمینیستی، بر خلاف نظریه کارکردگرایان ساختاری (مانند پارسونز که معتقد به تفکیک جنسیتی نقش‌ها است) زنان، زندگی اجتماعی را به عنوان فعالیتی در چارچوب نقش‌های جداگانه تجربه نمی‌کنند، بلکه نقش‌های متعادل‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند و منافع و جهت‌گیری‌هایی را اتخاذ می‌نمایند که بر ترکیبی از نقش‌ها مبتنی هستند و از طریق این ترکیب، نهادهای اجتماعی را به هم متصل می‌کنند. آن‌ها بر نقش‌های ترکیبی زنان تأکید می‌ورزند که تعادل و توازن را در جامعه برقرار می‌کنند (همان، ۵۰۲).

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، روش تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به محدودیت انواع روش‌های مصاحبه، که بکارگیری آنها در مطالعه حاضر میسر نیست، روش تحلیل محتوا

بهترین روش برای پاسخگویی به پرسش‌های این پژوهش است. بنابراین، سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ با روش مطالعه اسنادی جمع‌آوری گردید و با فن تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفت.

در تحلیل محتوا به جای مشاهده مستقیم رفتار مردم یا پرسش درباره آن به ارتباطاتی که آنان به وجود آورده و پیام‌هایی که رد و بدل کرده‌اند، توجه می‌گردد. تحلیل محتوا روشی غیرمداخله‌ای و غیرواکنشی است، زیرا اسناد مورد تحلیل، قبلاً ثبت و ضبط شده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ۹۴). ابزار اصلی و محوری تحلیل محتوا، نظام مقوله‌های آن است. هر واحدی در تحلیل باید کدبندی شود، یعنی در قالب مقولات قرار گیرد. مقوله به تعریف عملیاتی شده عناصر متن اطلاق می‌گردد. مقوله‌های استخراجی از یک متن باید مانع‌الجمع و کامل باشند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۰۴). انجام تحلیل محتوا با دو روش کمی و کیفی میسر است. در پژوهش حاضر، استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی^۱ (مایرینگ)^۲ مناسب تشخیص داده شد، زیرا پژوهش حاضر از نوع اکتشافی و توصیفی است و نمی‌توان انتظار بیان فرضیه‌ای خاص را داشت. سه رویه تحلیل در شیوه وی عبارت‌اند از: تلخیص، تبیین و ساخت‌بندی، که رویه مورد استفاده در بررسی حاضر، ساخت‌بندی است. این شیوه کمابیش با رویه‌های مورد استفاده در فنون کلاسیک تحلیل محتوا شباهت دارد (همان).

گام اول، تعیین واحدهای تحلیل است که واحد تحلیل در پژوهش حاضر پاراگراف است. سپس نظام مقوله‌ها تثبیت گردید و در مسیر ارزیابی اولیه مواد، مکان‌های داده علامت‌گذاری شد و در مرحله نهایی، نتایج پردازش گردید. در این فرایند به دنبال پاسخ به این پرسش بودیم که از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، کدام نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی برای زنان مناسب‌تر است و حضور آنان در کدام نقش‌ها اولویت بیشتری دارد.

یافته‌های پژوهش

برای ساخت مقوله‌ها، حوزه‌های حضور زن در جامعه و ایفای نقش اجتماعی با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به پنج حوزه تقسیم شده است که عبارت‌اند از: ۱- تحصیلات ۲- اشتغال ۳- نقش‌آفرینی سیاسی ۴- عرصه جهاد و ۵- عرصه ورزش قهرمانی. سپس آرای آیت‌الله خامنه‌ای

1. Qualitative Content Analysis

2. Mayring

درباره هر یک از حوزه‌های فوق در چهار سطح بررسی شد که به شرح ذیل است: ۱- نفی حضور زنان در هر یک از حوزه‌ها به این معنی که با حضور زنان در آن کاملاً مخالف‌اند؛ ۲- حضور مشروط: به این معنا که با حضور مشروط زنان در آن حوزه موافق‌اند؛ ۳- تأیید حضور زنان در هر یک از عرصه‌ها به این معنا که حضور زنان در آن مطلوب نظر ایشان و مایه مباهات است؛ ۴- تشویق زنان به حضور در آن حوزه به این معنا که حضور زنان در آن، نه تنها مطلوب، بلکه ضروری است.

۱. تحصیلات

تکرار مقوله «تحصیل» بیش از سایر مقولات بوده است و نظر ایشان در اکثر موارد، تأییدکننده حضور زنان در این حوزه است. این تأیید یک تأیید معمول و ساده نیست، بلکه نوعی تأیید مشوقانه است، به این معنا که حضور زنان تحصیل کرده را در دفعات متعدد از افتخارات نظام جمهوری اسلامی و بخش درخشان موضوع زن در کشور دانسته‌اند: «واقعاً این یکی از بزرگ‌ترین افتخارات نظام اسلامی است که در سایه نظام اسلامی این همه زن فرزانه و تحصیل کرده و خوش فکر و ممتاز از لحاظ فکری و عملی در جامعه ما وجود دارند؛ خیلی نعمت بزرگی است و مایه افتخار است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). ایشان در جای دیگر فرموده‌اند: «امروز وقتی ما نگاه می‌کنیم، نام زنان ما بر تارک کتب متعددی - کتب علمی، پژوهشی، تاریخی، ادبی، سیاسی، هنری - گذاشته شده؛ جزء برترین نوشته‌ها و آثار مکتوب امروز نظام اسلامی - چه مقالات و چه کتاب‌ها - نوشته‌های بانوان ما است، که این واقعاً مایه افتخار است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

ایشان حتی درباره ارتباط بین تحصیلات و نقش‌های خانوادگی بیان کرده‌اند امنیت و کرامت زن طوری باید در منزل توسط همسرش حفظ شود که از تحصیلات خود باز نماند. «در خانواده و خانه‌داری چیزی مانع درس خواندن او، مانع مطالعه کردن او، مانع فهمیدن او، مانع نوشتن او نشود - [برای] کسی که اهل این چیزها است - میدان برای این کارها فراهم باشد؛ این اساس قضیه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

علاوه بر این، ایشان زنان را به مطالعه و پژوهش درباره موضوع «زنان و مسائل و مشکلات مرتبط با آن‌ها» تشویق کرده‌اند. اما در یک مورد، تحصیلات را برای زنان نفی می‌کنند و مناسب نمی‌دانند. آن هم درسی که با طبیعت زنانه زن سازگار نیست و با اهداف عالی او سازگار نیست. ایشان فرموده‌اند: «با توجه به آن اهداف بلند، چه درسی برای بانوان مناسب است، آن درس را

در اختیارشان قرار بدهیم؛ نه اینکه مجبورش کنیم که شما چون در کنکور این جوری شرکت کردی، و این جوری نمره آوردی، حتماً باید بروی فلان درس را بخوانی، که این درس نه با طبیعت زنانه او سازگار است، نه با اهداف عالی او سازگار است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

۲. اشتغال

ایشان اگرچه با اشتغال زنان مخالف نیستند، اما آن را جزء مسائل اصلی زنان نمی‌دانند. در واقع با حضور زنان در این عرصه در همه موارد به طور مشروط موافقت می‌کنند. ایشان در موارد متعدد بیان می‌کنند که نقطه درخشان و افتخارآمیز حضور زنان در جامعه، بخش تحصیلات، عرصه سیاسی و دفاع مقدس است و اشتغال را در این دسته قرار نمی‌دهند.

دو نکته در سخنان ایشان درباره اشتغال وجود دارد. اولاً در دیدگاه ایشان، مشاغل به دو بخش مردانه و زنانه تقسیم می‌شود و ایشان اشتغال زنان در کارهای مردانه را نفی می‌کنند. به این معنا که ممنوعیتی برای حضور زنان در این حوزه قائل نیستند، اما بیان می‌کنند زن می‌تواند وارد این عرصه‌ها شود، اما این‌ها فریب جامعه غربی است و افتخار به این‌ها غلط است. از پانزده مورد واحد تحلیل که به اشتغال مربوط است، در نه مورد بر این مطلب تأکید شده است: «یکی از کارهایی که در این زمینه سوم که عرض کردیم باید انجام بگیرد، طبعاً این است که نگاه کنند ببینند آن مشاغلی که متناسب با این خصوصیت زن است چیست. بعضی از مشاغل هست متناسب با ساخت زن نیست، خوب این‌ها را دنبال نکنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). ایشان همچنین می‌فرمایند: «مردواره کردن زن؛ یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشاند به سمت بانوان و زنان، و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار بدهند. ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دور خوردیم؛ ما هم نادانسته، ناخواسته، این گفتمان را قبول کردیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

ایشان مشاغل مدیریتی و اجرایی را نیز از مصادیق مشاغل مردانه می‌دانند و در ادامه همین سخنان می‌فرمایند: «می‌بینید ما الان افتخار می‌کنیم که فلان تعداد زن، در فلان بخش‌های اجرایی کشور داریم. اشتباه نشود، از اینکه این بانوان در این مناصب اجرایی باشند، من هیچ مشکلی ندارم؛ یعنی منع نمی‌کنم، نفی نمی‌کنم، ایرادی هم برایش قائل نیستم - فرض کنید وزیر بهداشت ما یک خانم بود، یا معاونین رئیس‌جمهور مثلاً یا بخش‌های مختلف در بینشان بانوان هستند، این از نظر من اشکالی ندارد - آنچه اشکال دارد، افتخار به این است؛ که ما به رخ دنیا

بکشیم که ببینید، ما در بخش‌های اجرایی اینقدر زن داریم! این همان دور خوردن است، این همان منفعل شدن است؛ این افتخاری ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). ایشان در جای دیگر درباره حضور زنان در مشاغل اجرایی فرموده‌اند: «خیلی خوب، یک خانمی است، ارزش‌هایی داشته، توانایی‌هایی پیدا کرده، مناسب این مقام شده؛ خیلی خوب، بگذارند، خلاف قانون هم که نبوده؛ اما اینکه ما به این افتخار بکنیم که ببینید، ما این تعداد خانم مسئول در بخش‌های اجرایی داریم، این غلط است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). درباره همین موضوع در جای دیگر مطرح شده است: «اگر ما افتخار کنیم که این تعداد خانم روشنفکر، خانم تحصیل‌کرده داریم، این خوب است، این جا دارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم شهادت‌طلب و مجاهده‌کار در میدان‌های گوناگون داریم، این خوب است؛ اما افتخار به اینکه ما این تعداد وزیر زن، این تعداد نماینده زن، این تعداد معاون بخش‌های مختلف زن، این تعداد رئیس مؤسسات تجاری زن داریم، افتخار به این غلط است؛ این انفعال در مقابل آن‌ها است. مگر بنا بوده ما کارهای مردانه را به زن‌ها بدهیم؟ نه، جایگاه زن و هویت و شخصیت زن، در جنس خود زن یک هویت بسیار بالا و با کرامتی است، از بعضی جهات از مردها بالاتر است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

همچنین به اعتقاد ایشان اشتغال زنان نباید مزاحم کار تربیت فرزند و خانه‌داری شود و در واقع تربیت فرزند و خانه‌داری بر اشتغال اولویت دارد: «پس ما با آن اشتغال و مشارکتی کاملاً موافق هستیم که به این قضیه اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون این جایگزین ندارد. شما اگر بچه خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیاوردید، یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را - که از نخ‌های ابریشم ظریف‌تر است - با سر انگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده [عاطفی] نشود، هیچ کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی دیگران؛ فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است؛ اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده‌اند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد؛ تعیین با این است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

پس نظر ایشان درباره اشتغال زنان مشروط به دو موضوع است: اولاً، شغل مناسب ویژگی‌های زنانه باشد و دوم آنکه به کار تربیت فرزند لطمه‌ای وارد نکند.

۳. فعالیت‌های سیاسی

ایشان در موارد کمتری نسبت به اشتغال و تحصیل، درباره فعالیت سیاسی صحبت می‌کنند. اما فعالیت سیاسی زنان را کاملاً مورد تأیید قرار می‌دهند و آن را در جامعه بسیار تأثیرگذار می‌دانند:

«اگر بگوییم این مقدار خانم نویسنده، خانم فعال فرهنگی یا فعال سیاسی داریم، اشکالی ندارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانمی که در عرصه‌های سیاسی انقلابی فعال‌اند - گوینده‌اند، نویسنده‌اند - داریم، این خوب است؛ افتخار به این‌ها خوب است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

حتی در برخی موارد (سه مورد از هفت مورد واحد تحلیل) زنان را به حضور در عرصه سیاست تشویق و توصیه می‌کنند: «نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه انقلاب کم‌رنگ بشود. دیگران در مواجهه با انقلاب و معارضة با انقلاب سعی می‌کنند از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده کنند؛ جبهه انقلاب، زنان کارآمد و فعال و زبان‌آور و نویسنده و عالم و دانشمند به مراتب بیشتر دارد؛ خانم‌هایی که اهل اقدام‌اند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی‌اند، اهل سخن گفتن‌اند، اهل فکر دادن‌اند، صحنه انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند؛ این یک نکته است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). بنابراین، حضور زنان در عرصه سیاسی را افتخارآمیز می‌دانند و زنان را به ورود به این حوزه تشویق می‌کنند.

۴. عرصه مجاهدت‌ها

منظور از عرصه مجاهدت‌ها، حضور زنان در حوزه دفاع و جهاد است که در زمان‌های مختلف از جمله انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی برای کشور ایران رخ داده است. آیت‌الله خامنه‌ای در موارد متعدد در سخنرانی‌های خود درباره حضور زنان در عرصه مجاهدت‌ها صحبت کرده و آن را مورد تمجید و مایه افتخار دانسته‌اند.

نکته مورد توجه این است که حضور زنان در عرصه مجاهدت‌ها و جهاد (در انقلاب یا جنگ تحمیلی) را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: حضور غیرمستقیم، از طریق حمایت از مردان حاضر در صحنه جهاد و حضور مستقیم، از طریق ورود زنان به عرصه جهاد. آیت‌الله خامنه‌ای در صحبت درباره حضور غیرمستقیم در موارد متعدد از تأثیر حمایت زنان از جهاد مردان و مقاومت زنان در مشکلات بعدی ناشی از آن سخن گفته و آن را عامل پیروزی دانسته‌اند: «بنده که حقیقتاً هر وقت با این زنان برجسته مواجه می‌شوم، در مقابل آن‌ها احساس خضوع می‌کنم. بنده زیاد برخورد می‌کنم با مادران شهیدان، با همسران شهیدان، با همسران جانبازان: این بانوی فداکاری که یک عمر زندگی خودش را می‌گذارد برای مدیریت کردن و بهبود بخشیدن به زندگی یک معلول و جانباز، برای خاطر خدا؛ این چیز کوچکی نیست، این‌ها به زبان آسان است. آن مادری که دو فرزند، سه فرزند، چهار فرزند را در راه خدا داده و همچنان محکم

ایستاده، به ما سفارش می‌کند که بایستید؛ محکم باشید! انسان واقعاً در مقابل این همه عظمت احساس خشوع می‌کند. این‌ها واقعیت‌های زنانه جامعه ما است که بسیار افتخارآمیز و مهم است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر تجلیل از حضور غیرمستقیم زنان، حضور مستقیم آنان در عرصه جهاد، از طریق حضور زنان در میدان جنگ و مبارزات انقلابی را نیز مورد تأیید قرار داده‌اند. ایشان حتی در مواردی این حضور را لازم دانسته‌اند: «اولاً نقش و سهم بانوان در نظام، یک نقش فوق‌العاده و ممتاز است؛ همچنان که در اصل انقلاب، نقش بانوان ممتاز بود. آن کسانی که سابقه دارند، می‌دانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم به خصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بی‌جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمی‌بخشید؛ علاوه بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد. یعنی اولین حرکت عمومی مردمی، یک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پلیس هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکت‌های مردانه راه افتاد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

اینکه حضور مستقیم زنان در میدان جنگ و انقلاب مورد تأیید ایشان است، نکته مهم‌تری است. زیرا ایشان مطرح می‌کنند که برخی از علما مخالف حضور زنان در تظاهرات بودند: «امام نقش زنان را فهمید؛ و آلاً بودند بزرگانی از علما که ما با این‌ها بگومگو داشتیم، که اصلاً زن‌ها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند! آن‌ها می‌گفتند زن‌ها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه می‌داد، خاطر جمع می‌شد، تا بتواند در مقابل این جور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه می‌شد، بایستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای متعال تا ابدالابدین بر این مرد بزرگ باد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

۵. عرصه ورزش قهرمانی

یکی از نقش‌های زنان در اجتماع، حضور آنان در میدان‌های مسابقات بین‌المللی ورزشی است. این حوزه مورد مخالفت برخی قرار گرفته است، زیرا زنان را در معرض نمایش انجام حرکات ورزشی در رسانه‌ها قرار می‌دهد. اما آیت‌الله خامنه‌ای این حضور را تأیید کرده و آن را افتخارآمیز دانسته‌اند: «این مسئله بانوان و دختران ورزشکار ما که با حجاب در میدان می‌روند،

خیلی چیز مهمی است. من نمی‌دانم کسانی که درصدد ارزیابی حوادث کشورند، یک ارزیابی درستی از این قضیه دارند یا نه. این، فوق‌العاده است. در کشوری از کشورهای اروپا، یک زنی را به جرم باحجاب بودن، جرأت می‌کنند چاقو می‌زنند و او را می‌کشند؛ آن هم در دادگاه و جلوی چشم قاضی! اینجوری است. خجالت نمی‌کشند؛ در دانشگاه، در ورزشگاه، در پارک، در خیابان، به حکم قانون - قانونی که جعل کرده‌اند - متعرض زن محجبه می‌شوند. آن وقت در این فضا، توی این کشورها، یک زن محجبه در موضع قهرمان بر روی سکوی قهرمانی می‌ایستد و همه را وادار می‌کند به این که او را تکریم و تجلیل کنند. این چیز کمی است؟ این چیز کوچکی است؟ این کار خیلی باعظمت است. واقعاً همه باید قلباً از زنان ورزشکار ما که در میدان‌ها با حجاب، با عفاف، با متانت و با وقار حاضر می‌شوند، تشکر کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش اجتماعی زن از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان متفکری مسلمان و رهبر کشور ایران بود که از طریق تحلیل محتوای کیفی سخنرانی‌های ایشان در پنج سال اخیر انجام شد. چند نتیجه مهم را می‌توان از یافته‌های به دست آمده استنباط کرد. اولاً، ایشان در زمینه تحصیلات، تأیید همراه با تشویق را برای زنان به کار می‌برند و زنان تحصیل کرده را مایه افتخار جامعه اسلامی می‌دانند. تشویق ایشان برای اهتمام زنان به تحصیلات عالی به کرات در سخنان ایشان مشاهده می‌شود. حتی درباره شرایط خانه می‌فرمایند باید طوری باشد که مانع تحصیلات زن در صورت علاقه او نشود. در حالی که در زمینه اشتغال نظری متفاوت دارند و حضور زنان در آن را به صورت مشروط تأیید می‌کنند: به شرط متناسب بودن با ویژگی‌های زنانه و مزاحم نبودن با وظایف خانوادگی زن. ایشان ورود زنان به مشاغل مردانه یا مشاغل اجرایی را مذموم نمی‌دانند، اما آن را افتخاری برای زنان تلقی نمی‌کنند. ایشان بارها زنان تحصیل کرده و مدافع را مایه افتخار جمهوری اسلامی دانسته و از ثمره‌های آن سخن گفته‌اند، اما هیچ کجا چنین تعبیری درباره اشتغال زنان ندارند. مثلاً درباره نشانه‌های موفقیت زنان در جمهوری اسلامی می‌فرمایند: «می‌بیند این همسران چه کشیدند، این مادران چه کشیدند. این‌ها فرزندان را فرستادند جبهه‌ها؛ بسیاری از آن‌ها شهید شدند، جانباز شدند و این اسوه‌های صبر و مقاومت مثل کوه، استوار ایستادند. این در عرصه مسائل معنوی و انسانی. در عرصه مسائل سیاسی و در عرصه مسائل علمی هم کشور بحمدالله پیشرفت فوق‌العاده‌ای داشته است.

این همه زنان دانشمند، استاد در رشته‌های مختلف علمی، در علوم حوزوی، در علوم دانشگاهی - که نمونه‌ای از آن‌ها خوشبختانه شما حضار محترم هستید که در اینجا حضور دارید - همه نشان‌دهنده موفقیت جمهوری اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰). از این رو، نظر ایشان درباره تحصیلات و اشتغال زنان کاملاً متفاوت است. البته عدم تشویق زنان به ورود به حوزه اشتغال توسط ایشان به این دلیل است که جایگاه و مسئولیت بالاتری از اشتغال برای زنان قائل‌اند، نه به این دلیل که استعدادهای زنان را در این زمینه ناکافی بدانند.

درباره حضور زنان در عرصه سیاسی نه تنها منعی برای زنان بیان نمی‌کنند، بلکه در برخی موارد زنان را به حضور در عرصه سیاسی تشویق می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند جبهه انقلاب را خالی نگذارند. ایشان حضور زنان در عرصه سیاسی را افتخارآمیز می‌دانند.

یکی از نکاتی که آیت‌الله خامنه‌ای بارها مطرح کرده‌اند، افتخار به حضور زنان در عرصه مجاهدت‌ها و جهاد است. ایشان از نقش زنان در انقلاب و جنگ تحمیلی تقدیر می‌کنند. نکته مهم آن است که علاوه بر تقدیر از نقش زنان در حمایت از مردان و در پشت جبهه‌ها، حضور مستقیم زنان در عرصه جهاد را نیز تأیید می‌کنند که این یکی از تفاوت‌های نظر ایشان با دیگران است.

ایشان همچنین حضور زنان در عرصه ورزش قهرمانی بین‌المللی را مورد تأیید قرار می‌دهند و البته ارزش آن را در حضور زنان محجبه بر سکوی قهرمانی می‌دانند که این امر نیز یکی دیگر از تفاوت‌های نظر ایشان با برخی اسلام‌شناسان است.

تأکید و تشویق فراوان آیت‌الله خامنه‌ای به تحصیلات زنان، نشانه عقیده ایشان به تعقل زنان است. جنبه‌ای که برخی آن را در زنان ضعیف می‌دانند. به طور نمونه در بیانات علامه طباطبایی که در بخش پژوهش‌های پیشین مطرح شد.

ظاهراً دیدگاه‌های ایشان با شهید مطهری مطابقت و همخوانی بیشتری دارد. شهید مطهری، پذیرش فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی توسط زنان را مغایر با روحیه حساس و نیز حفظ حجاب و عفاف آنان نمی‌داند و تضادی بین نقش اجتماعی و خانوادگی زن مشاهده نمی‌کند.

با مقایسه آرای امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان گفت اگرچه هر دو به آزادی اشتغال زنان معتقدند، اما ظاهراً امام خمینی (ره) تأکید بیشتری بر فعالیت اجتماعی زنان دارند. به طوری که فرموده‌اند از وظایف زن است که در امور جامعه دخالت کند. این امر شاید به دلیل شرایط خاص جامعه و اقتضائات سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب و دوران دفاع باشد. در این

زمان مردان بیشتر مشغول جنگ و دفاع از کشور بودند و نیاز به تلاش بیشتر از جانب همه افراد جامعه برای بازسازی کشور احساس می‌شد.

نقطه آغاز تلاش فمینیست‌ها که در قالب فمینیسم لیبرال صورت گرفت، تأکید بر «جوهره مشترک انسانی» و تلاش برای کسب برابری‌های اجتماعی مانند حق رأی، حق اشتغال و غیره برای زنان بود که اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش بر آن قائل بود و آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این باره می‌فرماید: «نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است؛ در مسئله انسانیت، سبب مقامات معنوی، استعداد‌های فراوان فکری و علمی هیچ تفاوتی نیست، اما قالب‌ها دو قالب است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). اما ایشان در مقایسه با آرای فمینیسم لیبرال، محدودیت‌هایی را به ویژه در زمینه اشتغال برای زنان قائل‌اند. نظریه‌پردازان فمینیست، اشتغال زن را یگانه راه‌هایی و آزادی وی از بند ظلم و ستم می‌دانند و هر گونه شغلی را به شرط درآمدزا بودن برای زن ضروری می‌دانند. اما ایشان اولاً هر نوع اشتغال را مناسب زنان نمی‌دانند و دوم اینکه، نقش زن در خانواده را دارای اولویت می‌دانند. طرفداران فمینیسم رادیکال با تمرکز بیشتر بر ظلم به زن در عرصه خصوصی به دنبال تحولی انقلابی هستند. آن‌ها براندازی خانواده به عنوان محل ستم بر زنان را طلب می‌کنند. در مقابل آیت‌الله خامنه‌ای خانواده را بسیار مهم و پربرکت می‌دانند. اگرچه ظلم به زن در خانواده را مسئله و بحرانی جدی می‌دانند «مردانی که از اخلاق خوب برخوردار بودند و پایبندی‌های شرعی داشتند، ملاحظاتی کردند؛ اما در مواردی که این خصوصیات نبوده، این ملاحظات نشده؛ به زن در داخل خانواده ظلم شده. البته این جور نیست که ما فکر کنیم غربی‌ها در این زمینه از ما جلو هستند؛ ابداً. بنده آمارهای زیادی دارم، وضع داخلی خانواده‌های غربی به لحاظ مظلومیت زن و عدم رعایت حقوق زن، از وضع خانواده‌های اسلامی و ایرانی و شرقی یقیناً بدتر است؛ بهتر نیست، اگر بدتر نباشد؛ در مواردی حتماً بدتر است. ما به آن‌ها که نگاه نمی‌کنیم، آن‌ها که الگوی ما نیستند. ما در محیط خانواده کمبودهای زیادی داریم؛ احتیاج دارد به پشتوانه قانونی، به تضمین قانونی، به تضمین اجرائی؛ و این باید تحقق پیدا کند. این مسئله از جمله عرصه‌ها و میدان‌هایی است که در داخل کشور در این زمینه کم کار شده و باید کار شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). مفهوم دیگری که از دیدگاه ایشان درباره نقش اجتماعی زنان قابل تأمل است، مفهوم نقش ترکیبی زنان است. این مفهوم نظری، به نقش متعادل‌کننده زنان در نظام اجتماعی تأکید دارد و ترکیب نقش‌های اجتماعی و خانوادگی را مطلوب و تعادل‌بخش نظام اجتماعی تلقی می‌کند. ایشان بر این ترکیب توازن‌بخش نقش‌ها تأکید

می‌کنند و قائل به حذف هیچ یک از نقش‌ها به نفع نقشی دیگر نیستند. البته ایشان نکات فراوانی درباره اهمیت و ارزشمندی نقش‌های خانوادگی زنان مطرح کرده‌اند که از موضوع پژوهش حاضر خارج است و خود می‌تواند موضوع پژوهش دیگری باشد.

منابع

- آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۸)، چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۶، ص ۷-۳۸
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، ج ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- بانکی پور فرد، امیرحسین (۱۳۹۳)، مجموعه پنج‌جلدی نقش و رسالت زن، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- تانگ، زمری (۱۳۸۷)، درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشرنی
- دوچ، مرتون و گراوس، روبرت (۱۳۷۴)، نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۳)، بیانات رهبری در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۳۰، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، farsi.khamenei.ir
- خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۲)، بیانات رهبری در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۲۱، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، farsi.khamenei.ir
- خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۱)، بیانات رهبری در دیدار جمعی از پیشکسوتان، مربیان و مدال‌آوران مسابقات جهانی و المپیک، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، farsi.khamenei.ir
- خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۰)، بیانات رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، farsi.khamenei.ir
- خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۰)، بیانات رهبری در دیدار جمعی از بانوان نخبه به مناسبت ولادت حضرت زهرا(س)، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، farsi.khamenei.ir
- رودگر، محمدجواد (۱۳۸۸)، عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۶، ص ۴۹-۸۰
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی
- صادقی فسائی، سهیلا (۱۳۸۶)، فمینیسم و خانواده، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۵)، کاربرد تحلیل محتوی در علوم اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۸، ص ۹۱-۱۱۴
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷)، بررسی‌های اسلامی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم: مؤسسه بوستان کتاب
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی
- کربلایی نظر، محسن (۱۳۹۰)، زن و بازیابی هویت حقیقی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی (ضد روش)، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران: نشر و پژوهش شیرازه
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران: انتشارات صدرا
- نوربخش، سید مرتضی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی عمومی، تهران: نشر بهینه